

تحلیل روند دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج

غریب سجادی^۱

مجتبی مقصودی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۱/۱۵

چکیده

هدف این مقاله، بررسی روند دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج است. مدل نظری و مفهومی پژوهش حاضر، بر مبنای کارهای آلموند و وربا، پای، اینگلهارت، الازار و روزنهام و تسلر و گائو ارائه شده است. همچنین این مطالعه به روش کمی صورت گرفته و داده‌ها با تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. جامعه آماری شامل افراد ۱۵-۷۴ ساله ساکن محله‌های مختلف شهر اعم از زن و مرد است که ۴۸۵ نفر آنان به روش‌های نمونه‌گیری ترکیبی انتخاب شدند. نتایج نشان می‌دهد فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج در حال دگرگونی از فرهنگ سیاسی محدود به دیگر فرهنگ‌های سیاسی از جمله دموکراتیک است. این روند با فرض رفع بسیاری از موانع ساختاری فراروی نسل‌های جوان‌تر و افزایش مشارکت‌های فعال آنان در زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی تسریع می‌شود. همچنین نسل‌های بزرگ‌سال بیشتر بازنمای فرهنگ سیاسی محدود هستند، اما جوانان در کنار بازنمایی فرهنگ سیاسی دموکراتیک، بیش از نسل‌های میانی فرهنگ‌های بی‌اعتنا و عملگرا را بروز داده‌اند که مطابق با خواسته‌های تئوریک نیست. متغیرهای این مطالعه، دگرگونی و تفاوت فرهنگ سیاسی نسل‌ها را تا حد زیادی توضیح داده است. نتایج نیز پشتوانه نظری و تجربی دارد.

واژه‌های کلیدی: دگرگونی فرهنگ سیاسی، سنندج، فرهنگ سیاسی محدود و مشارکتی، نسل‌های اجتماعی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه‌شناسی سیاسی)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران، gharib.sajadi@yahoo.com

۲. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، ایران (نویسنده مسئول)، maghsoodi42@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

فرهنگ سیاسی^۱ جنبه خاصی از فرهنگ به معنای عام است که به شکلی خاص عبارت است از مجموعه باورها، گرایش‌ها، بینش‌ها، ارزش‌ها، معیارها و عقایدی که در طول زمان شکل گرفته و متأثر از وقایع، روندها و تجربه‌های تاریخی است که از نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود و در قالب آن‌ها، نهادها، رفتارها، ساختارها و کنش‌های سیاسی برای نیل به هدف‌های جامعه شکل می‌گیرد (کاظمی، ۱۳۸۲: ۳۷-۳۸). مفهوم فرهنگ سیاسی ظرفیت‌های بسیاری برای بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جریان‌های مختلف سیاسی دارد؛ بنابراین از سویی شناخت الگوی فرهنگ سیاسی و ویژگی‌های آن در میان لایه‌های مختلف اجتماع بیان‌کننده ماهیت بسیاری از تحولات سیاسی و رفتارهای سیاسی کنشگران است. از سوی دیگر، بررسی دگرگونی فرهنگ سیاسی میزان تغییر نگرش، احساس و باورهای سیاسی در جامعه را نمایان می‌کند.

کشور ایران به‌ویژه در چهار دهه اخیر، تغییرات فراوانی کرده و با تحولات بزرگی مانند انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی، افزایش جمعیت و افزایش شهرنشینی مواجه بوده است. همچنین با توجه به طی کردن روند نوسازی در روابط اجتماعی و تاحدودی سیاسی، نگرش‌ها و باورهای فکری و سیاسی در میان نسل‌های مختلف تغییر کرده است. می‌توان گفت تحولات بزرگ عرصه فناوری از یک‌سو و شکل‌گیری جنبش‌های متعدد اجتماعی و سیاسی در ابعاد جهانی از سوی دیگر، تأثیرگذاری بر اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران را به‌دنبال داشته است. در این شرایط که جامعه ایران مراحل گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کند و با نسل زیادی از جوانان روبه‌روست که با روند جهانی شدن مجموعه‌ای از «جدیدبودن‌ها» را تجربه می‌کنند. در این شرایط، بستر مناسبی برای بروز تغییرات، به‌ویژه تفاوت در نگرش‌های فرهنگی و سیاسی فراهم شده است. در جهان امروزی که سیر تغییر و تحولات و در یک کلام مدرن‌شدن و جهانی شدن امری انکارنشدنی است، احتمالاً شاهد تغییر نگرش‌های فرهنگی در میان نسل‌های اجتماعی هستیم؛ زیرا مجموعه‌ای از تغییرات، تحولات ساختاری ذهنی، عینی و ملموس و غیرملموس را در لایه‌های زیرین اجتماع به‌دنبال داشته است.

به‌علاوه «ایران با موقعیت ژئوپلیتیکی خاص و تاریخ کهن، با فراز و نشیب‌های مختلف و تنوع ملی، قومی و مذهبی و بسترهای متفاوت فرهنگی، حوزه مهمی در مطالعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. گستره وسیع جغرافیایی و تاریخ چندین هزار ساله ایران، گونه‌های مختلفی از ملیت‌ها^۱ و قومیت‌های^۲ متفاوت را دربرمی‌گیرد که با وجود تجربه‌های زیستی تاریخی مشترک در بسیاری زمینه‌ها، حامل تمایزها و تفاوت‌های معناداری در حوزه‌های جغرافیایی، گذارهای تاریخی، تعلق‌های فرهنگی و رفتارهای سیاسی بوده‌اند و به‌رغم زیستن در یک مرز جغرافیایی و نظام سیاسی مشترک، همواره رفتار سیاسی مشترکی نداشته‌اند. همچنین، شواهد تاریخی حاکی از ضعف‌ها و ناتوانی‌های اجتماعی و سیاسی در استقرار نهادهای مدنی و دموکراتیک و پیشبرد توسعه سیاسی در دوران جدید است» (خانیک و سرشار، ۱۳۹۱: ۹۳).

با شرایطی که ذکر شد، توجه به زمینه‌های فرهنگی جامعه به‌ویژه فهم فرهنگ سیاسی و روند تغییرات آن بسیار مهم است. در پژوهش حاضر، به مطالعه و تحلیل روند دگرگونی فرهنگ سیاسی مردم شهر سنندج با رویکرد نسلی می‌پردازیم. یکی از دلایل انتخاب سنندج به‌عنوان بستر مطالعه آن است که مناطق کردنشین هم به‌دلیل بافت قومی و مذهبی متفاوت و هم ارتباط با کردهای ساکن در سایر کشورهای همسایه، بعد از انقلاب با شرایط فکری و سیاسی متفاوتی با سایر مناطق ایران مواجه شده‌اند. به همین منظور بررسی فرهنگ سیاسی و تغییرات آن می‌تواند میزان تأثیر تحولات سیاسی-اجتماعی داخلی و خارجی و همچنین میزان اثرگذاری جنبش‌های منطقه‌ای و جهانی بر نوع نگرش سیاسی کردها به‌ویژه مردم سنندج را برای ما روشن کند؛ بنابراین در پژوهش حاضر، در سطحی خرد الگوهای فرهنگ سیاسی را میان نسل‌های اجتماعی شناسایی شده و میزان شباهت یا اختلاف‌ها و عوامل احتمالی مؤثر بر دگرگونی فرهنگ سیاسی جامعه مطالعه شده است؛ از این‌رو پرسش اصلی آن است که «روند دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج چگونه است».

پیشینه پژوهش

تسلر و آلتینگلو (۱۹۹۷) فرهنگ سیاسی ترکیه را بررسی کردند. همچنین به بررسی اندازه‌گیری

-
1. Nationalities
 2. Ethnicities

جهت‌گیری‌های شهروندان به دموکراسی، نظامی‌گرایی و اسلام پرداختند و رابطه پایگاه شخصی و جهت‌گیری‌های مذهبی با دموکراسی را بررسی کردند. نتیجه اینکه جهت‌گیری‌های سیاسی شهروندان ترکیه از متغیرهای جنسیت، سن، پایگاه اجتماعی و منفعت شخصی تأثیر می‌پذیرد.

تسلر و گائو (۲۰۰۹) با بررسی دیدگاه‌های نویسندگان مختلف، شش عنصر را به‌عنوان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک شامل حمایت از برابری جنسیتی^۱، مدارای سیاسی^۲، اعتماد سیاسی^۳، مشارکت مدنی^۴، علاقه سیاسی^۵ و دانش سیاسی^۶ در نظر گرفتند. آن‌ها پس از جمع‌آوری داده‌های تجربی از کشورهای خاورمیانه با تحلیل عاملی و بررسی روابط درونی بین این شش مؤلفه، سنخ‌شناسی خود را از انواع جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی ارائه کردند. به اعتقاد آن‌ها، عناصر بررسی‌شده فرهنگ سیاسی در این جوامع نه یک جهت‌گیری تک‌بعدی را تشکیل می‌دهند و نه کاملاً بی‌ارتباط با یکدیگر هستند.

ویرا کاستا^۷ (۲۰۱۸) ارتباط بین فرهنگ سیاسی و دموکراسی در برزیل و کلمبیا- دو کشور، با سطوح پایینی از مشارکت مدنی و بی‌اعتنایی سیاسی بالای شهروندان- را تحلیل کرد و نتیجه گرفت که با گذشت زمان، این دو کشور علی‌رغم زمینه‌های تاریخی متفاوت، به‌ویژه با وجود دوره‌هایی از خشونت در کلمبیا و اختلالاتی بر سر راه دموکراسی در برزیل، روندهای مشابهی در فرهنگ سیاسی دارند.

مطالعات مربوط به فرهنگ سیاسی در ایران سابقه زیادی ندارد. پس از انقلاب در آثار جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران سیاسی مانند چلبی (۱۳۷۵)، بشیریه (۱۳۸۰) و سریع‌القلم (۱۳۸۵) شاهد مطالعات نظری در این حوزه هستیم. در سال‌های اخیر نیز مطالعاتی به‌صورت تجربی انجام شده است.

شریف (۱۳۸۱) در کتاب «انقلاب آرام، درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران»، فرهنگ سیاسی ایران را به‌طور کلی بحث و بررسی کرده است. سریع‌القلم (۱۳۸۹) در کتاب فرهنگ

1. Support for Gender Equality
2. Political Tolerance
3. Political Trust
4. Civic Participation
5. Political Interest
6. Political Knowledge
7. Vieira Costa

سیاسی ایران، ضمن بیان فردگرایی منفی، بی‌اعتمادی، نهادگرایی، اختلاف‌نظر، خویشاوندگرایی، هزارفامیلی، بی‌قانونی، ناامنی، بحران هویت و فرایند ناقص کشور-ملت‌سازی به‌عنوان مشخصات فرهنگ سیاسی ایران توضیح داد که این ویژگی‌ها، ریشه در فرهنگ سیاسی عشیره‌ای این سرزمین دارند. نتایج مطالعه احمدی (۱۳۹۰) در بررسی رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی شهر سنندج، حاکی از وجود نوعی فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در میان مردم سنندج است. سرشار (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفت که دانشجویان دانشگاه کردستان، الگوهای متفاوتی از فرهنگ سیاسی دارند. احمدی و نمکی (۱۳۹۲) به بررسی فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسل‌های ایرانی پرداختند. پژوهش آن‌ها حاکی از برتری نسل جوان در بروز ارزش‌های ابراز وجود و توسعه بیشتر فرهنگ دموکراتیک در میان این نسل است. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند، میانگین جهت‌گیری فرهنگ سیاسی معلمان بوکان در حد متوسط است. همچنین، نیمی از معلمان مدنظر، در گونه فرهنگ سیاسی دموکراتیک قرار دارند و نوعی ناهم‌سویی و رشد نامتوازن، در ابعاد شناختی و کنشی فرهنگ سیاسی آنان دیده می‌شود.

در مطالعه حاضر، ضمن بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری، روشی و داده‌ای پژوهش‌های پیشین، با در پیش گرفتن رویکرد مقطعی و قراردادن مطالعه در چارچوب نسلی، بررسی دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج محوریت دارد.

چارچوب نظری

«آلموند و وربا» از نخستین کسانی بودند که به بازسازی مفهوم فرهنگ سیاسی پرداختند. مسئله آن‌ها دستیابی به تبیینی در علل پایداری دموکراسی در برخی کشورها و ناپایداری آن در کشورهای دیگر در دوران میانی دو جنگ جهانی بود (قیصری و شکوری، ۱۳۸۱: ۳۲). آن‌ها بر اساس نوع نگرش و سوق‌یافتن به سیاست، فرهنگ سیاسی را به انواعی تقسیم کردند. از نظر آن‌ها افراد به سه مقوله کلی تقسیم می‌شدند. مشارکت‌جو که فرهنگ سیاسی مشارکتی^۱ را پدید

می‌آورند، پیرو یا تابع که فرهنگ سیاسی تبعی یا رعیتی^۱ را به وجود می‌آورند و کوچک‌اندیش که فرهنگ سیاسی کوچک‌اندیشانه^۲ را پدید می‌آورند.

پای (۱۳۷۰؛ ۲۰۰۰) یکی از اندیشمندانی است که نقش بسزایی در تأثیر مطالعات مربوط به فرهنگ سیاسی داشت. مسئله اصلی او، ثبات و بی‌ثباتی سیاسی برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی است. وی توجه به توسعه تاریخی نظام سیاسی به‌عنوان یک مجموعه و تجربه زندگی افرادی را که معمولاً در محدوده فرهنگ حضور دارند، با کشف ریشه‌های فرهنگ سیاسی در هر جامعه‌ای ضروری می‌داند.

اینگلهارت (۱۳۷۳) در چارچوب نظریه خود به تغییر فرهنگ سیاسی و گذار به سوی دموکراسی معتقد است و نتیجه می‌گیرد در جوامع نوعی دگرگونی و گذار از ارزش‌های مربوط به بهزیستی مادی و امنیت جانی به سوی ارزش‌های فرامادی و مرتبط با کیفیت زندگی قابل مشاهده است. از نظر او، افرادی که ارزش‌های فرامادی دارد، بیشتر به ارزش‌های دموکراتیک علاقه‌مندند. در مجموع، از دیدگاه وی، تغییر فرهنگ در درازمدت صورت گرفته و تابعی از تغییرات محیط عام زندگی افراد (اجتماعی شدن) و همچنین تغییرات نسلی است (اینگلهارت، ۱۹۸۸).

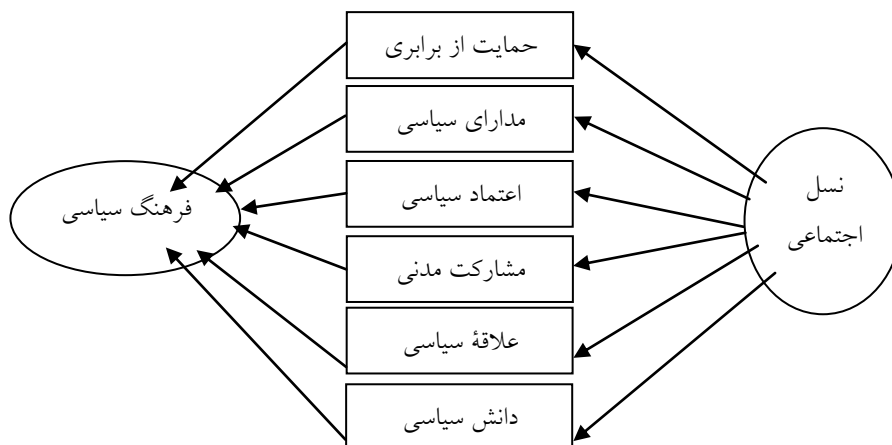
الازار و روزنهام با ارائه نظریه خود معتقدند فرهنگ سیاسی از متغیرهای مختلفی تأثیر می‌پذیرد؛ به همین دلیل در یک جامعه فرهنگ سیاسی یکنواختی وجود ندارد. بلکه با توجه به تفاوت‌های تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و قومی جوامع، فرهنگ سیاسی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر متفاوت است (روزنهام، ۱۹۷۵؛ الازار، ۱۹۷۲). سهم «ویلداسکی» در بازسازی مفهوم فرهنگ سیاسی و احیای فرهنگ سیاسی پژوهی، کاربست رهیافت «نظریه فرهنگ» در حوزه فرهنگ سیاسی است. او که در اواخر عمر به یکی از مدافعان و نمایندگان پیشگام نظریه فرهنگ تبدیل شد، در عین بازتعریف فرهنگ، بر نقش عناصر مختلف فرهنگی در زندگی سیاسی تأکید می‌کند (ویلسون، ۲۰۰۰: ۲۵۳).

شاید بسیاری از گزاره‌ها و مفاهیم نظریه‌های پیشین رهنمون‌بخش پژوهش حاضر باشد. با

1. Subject Political Culture

2. Pharochial Political Culture

وجود این، مدل نظری و مفهومی مطالعه پیش‌رو بیشتر بر مبنای چارچوب نظری تسلر و گائو (۲۰۰۹) ارائه شده است؛ زیرا اولاً ذیل آن دستگاه نظری و مفهومی، فرهنگ سیاسی در ابعاد شناختی و کنشی و فراتر و جامع‌تر از گونه‌شناسی‌های پیشین، مقوله‌بندی و عملیاتی شده است و به‌نظر می‌رسد با استفاده از آن، بهتر می‌توان به بررسی دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی پرداخت. دوم اینکه این دستگاه نظری و مفهومی، به‌دلیل ماهیت تلفیقی، ابتنای آن بر ادبیات نظری فرهنگ سیاسی و تمرکز بر فرهنگ سیاسی در جوامع اسلامی، مناسبت بیشتری با موضوع و جامعه مورد بررسی (سنندج) دارد. براین اساس، مدل نظری پژوهش در شکل ۱ آمده است. براساس این مدل، فرضیه‌هایی تدوین شده‌اند که در قسمت یافته‌های استنباطی ارائه و تحلیل شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کمی است که به روش پیمایشی در سال ۱۳۹۷ در شهر سنندج انجام شده است. داده‌های این مطالعه با رویکرد میدانی و تکنیک پرسشنامه محقق‌ساخته گردآوری شده است. پرسشنامه پژوهش نیز با استفاده از اعتبار محتوا^۱ و اعتبار عاملی^۲ و همچنین، آزمون آلفای کرونباخ^۳ از منظر روایی و پایایی سنجش و تأیید شده است.

1. Content Validity
2. Factor Validity
3. Cronbach's Alpha

جامعه آماری پژوهش شامل همه زنان و مردان ۷۴-۱۵ ساله ساکن در شهر سنندج است که براساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵، برابر ۳۱۷,۵۶۰ نفر هستند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان، ۱۳۹۶). برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار اپی‌اینفو^۱ استفاده شد. براین اساس، با توجه به جامعه آماری و فاصله اطمینان ۹۷ و خطای ۵ درصد، حجم نمونه ۴۷۰ نفر برآورد شد؛ البته برای جلوگیری از مشکل ریزش نمونه و سایر موارد احتمالی، حجم نهایی به ۵۰۰ نمونه ارتقاء داده شد.

شیوه نمونه‌گیری در پژوهش، ترکیبی از روش‌های طبقه‌ای متناسب براساس جمعیت نسل‌ها، تصادفی ساده و سیستماتیک بوده است. ابتدا، با مراجعه به دفتر آمار و اطلاعات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، نقشه شهر سنندج به تفکیک بلوک آماری مدنظر قرار گرفت و ۵۰ بلوک آماری از همه نقاط شهر به صورت تصادفی ساده همراه با آدرس دقیق انتخاب شد. تعداد خانوارهای مدنظر در هر بلوک آماری، ۱۰ خانوار بوده است. در مرحله بعد با مراجعه به آدرس بلوک‌های منتخب و با انتخاب یکی از پلاک‌های مختوم به صفر یا ۵ در سمت راست به عنوان نقطه شروع، پرسشگری از خانوار آغاز شد و توزیع و تکمیل پرسشنامه به کمک یکی از افراد خانوار در رده سنی ۱۵-۷۴ اعم از زن و مرد با فاصله هر دو خانه تا تکمیل آخرین نمونه ادامه یافت. داده‌های خام پژوهش در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ وارد شد. سپس تحلیل این داده‌ها با آزمون‌های مقتضی از جمله میانگین دو گروه مستقل، ضریب هم‌بستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره خطی به روش هم‌زمان صورت گرفت.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

دگرگونی فرهنگ سیاسی: دگرگونی فرهنگ سیاسی به معنای تغییر در جهت‌گیری‌های سیاسی است. در پژوهش حاضر، دگرگونی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی با توجه به میزان تعلق آن‌ها به الگوهای سیاسی بررسی شده است. این الگوها براساس چارچوب مطالعه تسلر و گائو (۲۰۰۹)، عبارت‌اند از: الگوی فرهنگ سیاسی محدود، عملگرا، بی‌اعتنا و دموکراتیک که در قالب چهارده گویه درباره مفاهیم برابری جنسیتی، مشارکت سیاسی و مدنی، اعتماد سیاسی و دانش سیاسی شهروندان (جدول ۱) در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های مشخص سنجیده شدند.

1. Epiinfo (STATCALC)

نسل اجتماعی: نسل «در جمعیت‌شناسی به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند» (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۱۰۷). در پژوهش حاضر، منظور از نسل اجتماعی منطبق با تعریف فوق است و سه گروه از مردم جامعه، یعنی بزرگسالان (افراد در فاصله سنی ۵۵-۷۴)، میانسالان (افراد در فاصله سنی ۳۵-۵۴) و جوانان (افراد در فاصله سنی ۱۵-۳۴) را در برمی‌گیرد.

حمایت از برابری جنسیتی: برابری جنسیتی میزانی را که زنان فرصت‌های برابری به‌منظور توسعه استعدادهایشان برای انتخاب مستقلانه دارند منعکس می‌کند (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۳۴۵). تسلر می‌گوید: «برابری جنسیتی یعنی میزان باور افراد به اینکه جنسیت تأثیری در میزان برخورداری از حقوق و امتیازات سیاسی ندارد» (تسلر، ۲۰۱۱: ۱۹۸). در پژوهش حاضر، این متغیر با هشت گویه در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شد.

مدارای سیاسی: پی‌ات و پاکستون (۲۰۰۷) مدارای سیاسی را «در نظر گرفتن اصول دموکراسی و پشتیبانی از آزادی‌های مدنی، حقوق اقلیت‌ها و غیره و استفاده از آن‌ها در عمل برای گروه‌هایی که مورد علاقه فرد نیستند» تعریف می‌کنند. اسچوادل و گرانتو (۲۰۱۴) در تعریف این مفهوم می‌گویند: «نگرش افراد یا گروه‌ها به اینکه آزادی بیان را برای همه گروه‌ها و افراد به رسمیت بشناسند». این متغیر با ۶ گویه تعدیل‌یافته، منبعث از مطالعات تسلر و گائو (۲۰۰۹) و شهریاری و همکاران (۱۳۹۵) در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شد.

اعتماد سیاسی: استون به نقل از گابریل (۱۹۹۵) اعتماد سیاسی را «مجموعه‌ای از نگرش‌های مثبت نسبت به موضوعات سیاسی می‌داند که هم به رژیم سیاسی و هم متصدیان اقتدار در جامعه مربوط است». این متغیر در ابعاد مختلف با ۹ گویه منبعث از مطالعات طالبی و همکاران (۱۳۸۷) و شایگان (۱۳۸۷) در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های کاملاً موافق تا کاملاً مخالف سنجیده شد.

مشارکت مدنی: پاتنام (۱۹۹۳) مشارکت مدنی را مشارکت فعال در موضوعات عمومی، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و آمادگی درگیر شدن در مباحث و فعالیت‌های عمومی تعریف

می‌کند. این متغیر با شش گویه منبعث از مطالعات تسلر و گائو (۲۰۰۹) و احمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های (بسیار زیاد تا بسیار کم) سنجیده شد.

علاقه سیاسی: علاقه سیاسی میزان گرایش و تمایل افراد به شرکت در مباحث و امور سیاسی است. افراد علاقه‌مند به سیاست، بیشتر دنباله‌رو امور سیاسی و مشارکت در فعالیت‌های مدنی هستند (تسلر و گائو، ۲۰۰۹). این متغیر با شش گویه منبعث از مطالعات تسلر و گائو (۲۰۰۹) و احمدی و همکاران (۱۳۹۷) در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های بسیار زیاد تا بسیار کم سنجیده شد.

دانش سیاسی: داوسون و همکاران (۱۳۸۲) دانش سیاسی فرد را دربرگیرنده طرز تلقی‌ها و ارزیابی او از مسائل خاص سیاسی یا از شخصیت‌ها و حوادث سیاسی می‌دانند. این متغیر با شش گویه منبعث از مطالعات تسلر و گائو (۲۰۰۹) و مسعودنیا و همکاران (۱۳۸۸) در مقیاس ترتیبی و با پاسخ‌های بسیار زیاد تا بسیار کم سنجیده شد.

متغیرهای جمعیتی: این متغیرها عبارت بودند از: محل تولد، جنسیت، سن، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و پایگاه اجتماعی-اقتصادی که در پژوهش حاضر، با شش پرسش برای ارزیابی ذهنی فرد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی خود در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای و با مقیاس ترتیبی سنجیده شد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیتی

محل تولد بیشتر نسل‌های جوان (۹۰/۳ درصد) و میان‌سال (۸۰/۲ درصد) شهر بوده است؛ درحالی‌که بیش از نیمی از نسل بزرگ‌سال در روستا (۵۶/۱ درصد) به دنیا آمده‌اند. در میان هر سه نسل، فراوانی پاسخگویان مرد بیشتر از زنان بوده و به‌طورکلی بیش از ۶۰ درصد از افراد را به خود اختصاص داده است. میانگین سن پاسخگویان سه نسل به ترتیب ۲۵/۵، ۴۰/۵ و ۶۰/۵ برای جوانان، افراد میان‌سال و بزرگ‌سالان بوده است. با توجه به رویکرد نمونه‌گیری (طبقه‌ای متناسب) و ساختار سنی جوان و روبه‌گذار شهر سنندج، طبیعی و براساس انتظار بوده است که ۵۱ درصد پاسخگویان را جوانان و ۴۹ درصد باقی‌مانده را افراد میان‌سال و بزرگ‌سال تشکیل دهد.

همچنین بیشتر جوانان (۵۶ درصد) تحصیلات دانشگاهی دارند. افراد میان‌سال نیز بیشتر در طیف‌های وسط تحصیلی، یعنی از دیپلم کامل تا لیسانس (در مجموع ۶۳ درصد) توزیع شده است، اما بیشتر نسل بزرگ‌سال یا بی‌سواد (۲۲/۷ درصد) هستند یا تحصیلات ابتدایی تا متوسطه (۵۱/۵ درصد) دارند. براساس نتایج، بیشتر جوانان در وضعیت زناشویی ازدواج‌نکرده (۶۸/۵ درصد) قرار داشته‌اند، اما بیشتر پاسخگویان میان‌سال (۶۸ درصد) و بزرگ‌سال (۷۱ درصد) دارای همسر بوده‌اند. از نظر شغلی، بیشتر جوانان یا بیکار (۱۹ درصد) یا محصل و دانشجو (۳۷/۲ درصد) بوده‌اند. بیشتر افراد میان‌سال نیز در وضعیت‌های شاغل (۲۹ درصد) و خانه‌دار (۲۱/۵ درصد)، نسل بزرگ‌سال بیشتر بازنشسته (۲۴/۲ درصد) یا خانه‌دار (۲۷/۳ درصد) بوده‌اند. در زمینه پایگاه اجتماعی-اقتصادی به‌طور کلی بیشتر پاسخگویان هر سه نسل در جایگاه متوسط به پایین (۸۴/۵ درصد) قرار داشتند، اما براساس نتایج، جوانان پایگاه اجتماعی-اقتصادی بهتری از افراد میان‌سال و بزرگ‌سال داشته‌اند که البته بی‌تأثیر از همراه بودن آن‌ها با خانواده پدر و مادری نیست.

توصیف گویه‌های فرهنگ سیاسی

در جدول ۱، نتایج پاسخ هر سه نسل به گویه‌های فرهنگ سیاسی به‌صورت درصدی آمده است. نتایج جدول گویای وضعیتی متفاوت در میان نسل‌هاست. در دو گویه اول و سوم که جهتی منفی هم دارند، نسبت افراد جوان و میان‌سال توزیع شده در طیف مخالف بیشتر از نسبت نسل بزرگ‌سال است. در گویه دوم نیز که جهتی مثبت دارد، نسبت جوانان و میان‌سالان توزیع شده در طیف موافق بیشتر از نسبت بزرگ‌سالان است. به عبارت دیگر، نتایج این سه گویه گویای جهت‌گیری بیشتر جوان‌ترها به‌سوی برابری جنسیت است.

در گویه‌های چهارم و پنجم که معرف‌هایی برای مدارای سیاسی هستند، نسبت جوانان و میان‌سالان توزیع شده در طیف موافق بیشتر از نسبت بزرگ‌سالان است. با این نتایج، به‌نظر می‌رسد جوان‌ترها مدارای سیاسی بیشتری دارند. در گویه‌های ششم تا نهم که معرف اعتماد سیاسی و مشارکت مدنی به‌شمار می‌روند، تفاوت چندانی در میان نسل‌های مورد مطالعه دیده نمی‌شود. گویی از نظر اعتماد سیاسی و مشارکت مدنی در میان آنان تفاوت برجسته‌ای مشاهده نمی‌شود.

نتایج گویه‌های دهم تا چهاردهم نیز حاکی از آن است که نسبت افراد میان‌سال توزیع شده در طیف موافق بیشتر از نسبت‌های متناظر در دو نسل دیگر و برخلاف انتظار نسبت بزرگسالان توزیع شده در طیف موافق بیشتر از نسل جوان است. گویی علاقه و دانش سیاسی نسل جوان پایین‌تر از دو نسل دیگر است.

جدول ۱. توزیع درصدی پاسخگویان برحسب پاسخ به گویه‌های فرهنگ سیاسی به تفکیک نسل

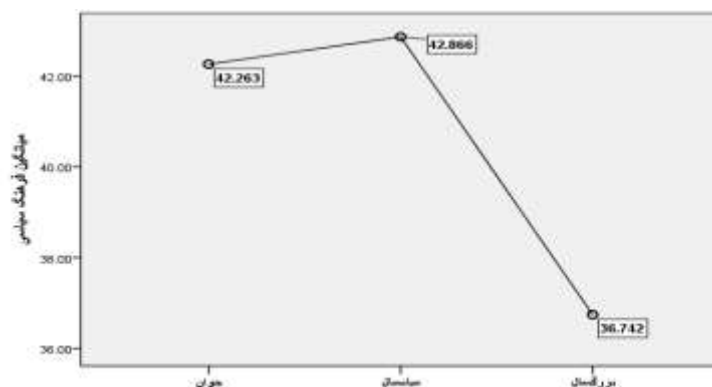
گویه	جوان (%)			میانسال (%)			بزرگسال (%)		
	کاملاً مخالفم	مخالفم	بی‌تفاوتم	موافقم	کاملاً موافقم	کاملاً موافقم	مخالفم	بی‌تفاوتم	موافقم
۱- در کل مردان رهبران سیاسی بهتری هستند	۱۶٫۶	۲۰٫۳	۲۱٫۱	۲۰٫۶	۱۶٫۳	۱۶٫۳	۲۸٫۵	۱۷٫۴	۶٫۱
۲- زنان باید بتوانند همانند مردان قاضی شوند	۹٫۳	۱۳٫۰	۱۴٫۲	۳۵٫۵	۳۸٫۱	۸٫۷	۱۲٫۸	۱۷٫۴	۳۳٫۹
۳- در کل مردان مدیران تجاری بهتری هستند	۱۵٫۴	۲۲٫۷	۲۵٫۹	۱۹٫۰	۱۵٫۰	۱۶٫۳	۲۲٫۷	۱۶٫۴	۶٫۱
۴- شهروندان صرف‌نظر از قومیت، مذهب و جنسیت باید از حقوق برابر برخوردار باشند	۱٫۶	۱٫۳	۵٫۳	۲۰٫۲	۱۷٫۷	۲٫۳	۰٫۰	۱٫۵	۰٫۰
۵- افراد و گروه‌های سیاسی باید بتوانند آزاده عقاید خود را بیان کنند	۷٫۰	۲٫۶	۹٫۷	۲۵٫۵	۶۰٫۳	۲٫۳	۴٫۱	۵٫۷	۶٫۱
۶- مردم در تصمیم‌گیری‌های نظام نقش کاملاً جدی دارند	۷٫۷	۲۰٫۰	۱۴٫۳	۱۷٫۰	۲۷٫۹	۲۶٫۳	۲۲٫۷	۱۶٫۳	۲۲٫۷
۷- مسئولان کشور منافع عمومی را به منافع شخصی ترجیح می‌دهند	۳۷٫۵	۲۸٫۷	۱۶٫۲	۱۴٫۶	۱۵٫۰	۲۴٫۴	۱۶٫۹	۳۳٫۳	۱۸٫۲
۸- ارتباط شما با افراد حاضر در گروه‌های سیاسی و شرکت در مباحث سیاسی گروهی چقدر است؟	۳۸٫۵	۳۱٫۶	۱۵٫۴	۷٫۷	۲٫۸	۴۰٫۷	۱۸٫۰	۵۳٫۰	۱۲٫۱
۹- چقدر در انجمن‌ها و نهادهای خیریه مشارکت دارید؟	۲۲٫۷	۲۲٫۳	۳۴٫۸	۱۴٫۶	۵٫۷	۲۲٫۷	۳۳٫۶	۲۷٫۸	۱۸٫۲
۱۰- تا چه حد اخبار و رویدادهای سیاسی را پیگیری می‌کنید؟	۱۱٫۳	۱۷٫۸	۲۷٫۳	۲۷٫۱	۱۵٫۴	۱۱٫۰	۱۹٫۳	۲۶٫۷	۲۶٫۷
۱۱- علاقه‌مندی شما به مطالعه نشریه‌های سیاسی چقدر است؟	۲۵٫۹	۲۵٫۹	۲۷٫۵	۱۵٫۰	۵٫۷	۳۵٫۵	۲۲٫۷	۱۵٫۷	۶٫۴
۱۲- تا چه میزان با روند انتخابات ریاست جمهوری در کشورمان آشنا هستید؟	۱۴٫۶	۲۵٫۵	۲۵٫۵	۱۵٫۰	۱۶٫۳	۲۱٫۵	۲۰٫۹	۲۶٫۷	۱۴٫۵
۱۳- تا چه میزان با کارکرد و وظایف شورای نگهبان آشنا هستید؟	۲۷٫۱	۲۸٫۷	۲۰٫۳	۵٫۷	۱۸٫۲	۲۷٫۹	۱۶٫۴	۲۲٫۱	۶٫۴
۱۴- تا چه حدی با ساختار و نحوه عملکرد شورای اسلامی شهر آشنا هستید؟	۲۷٫۵	۲۳٫۱	۱۷٫۰	۸٫۱	۲۰٫۹	۲۳٫۳	۱۶٫۳	۱۸٫۵	۱۱٫۰

* جمع درصدها در تمام آیتم‌ها به صورت سطری و به تفکیک نسل برابر با ۱۰۰ درصد است.

یافته‌های استنباطی

قبل از ارائه نتایج مربوط به آزمون و تحلیل فرضیه‌ها، ذکر این نکته مهم ضروری است که فرض برابری واریانس‌ها- که یک پیش فرض مهم برای انجام آزمون‌های پارامتریک است (پاشا شریفی و نجفی‌زند، ۱۳۷۸: ۱۸۹)- برای همه متغیرها وجود داشته است؛ بنابراین از این آزمون‌ها استفاده شده است.

فرضیه اول: الگوی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج متفاوت است و به نظر می‌رسد نسل بزرگ‌سال بیشتر بازنمای الگوی محدود، نسل میان‌سال بیشتر بازنمای الگوهای بی‌اعتنا و عمل‌گرا و نسل جوان بیشتر بازنمای الگوی دموکراتیک باشد. در جدول ۲ و شکل ۲، نتایج و عناصر مرتبط با آزمون فرضیه اول آمده است. مطابق با تعداد گویه‌های این متغیر (چهارده گویه) و گدهای اختصاص داده شده به پاسخ‌ها (حداقل ۱ و حداکثر ۵ در گویه‌های مثبت و برعکس) انتظار بر این بوده است که حداقل و حداکثر مقدار شاخص فرهنگ سیاسی به ترتیب ۲۲ و ۶۲ باشد. همچنین نمره‌های پایین و متمایل به ۲۲ معرف الگوی فرهنگ سیاسی محدود، نمره‌های بالا و متمایل به ۶۲ معرف الگوی فرهنگ سیاسی دموکراتیک و نمره‌های میانی معرف الگوی فرهنگ سیاسی عمل‌گرا و بی‌اعتناست. براساس شکل ۱، میانگین نمره فرهنگ سیاسی نسل بزرگ‌سال (۳۶/۷) کمتر از دو نسل دیگر، و نمره نسل میان‌سال (۴۲/۹) از هر دو نسل دیگر بیشتر است. براساس جدول ۲ نیز، تفاوت میانگین‌ها (۲۴۹/۱۹ = F) از نظر آماری در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار است.



شکل ۲. ساختار تفاوت میانگین نمرات فرهنگ سیاسی در میان نسل‌های اجتماعی شهر سنندج

جدول ۲. عناصر آزمون تحلیل واریانس یک طرفه متغیر فرهنگ سیاسی در میان نسل‌های اجتماعی شهر سنندج

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	معناداری
بین گروه‌ها	۲	۹۶۷/۰۴۴		
درون گروه‌ها	۴۸۲	۵۰/۲۳۷	۱۹/۲۴۹	۰/۰۰۰
مجموع	۴۸۴			

بر اساس نتایج آزمون تعقیبی توکی (نتایج در اینجا نشان داده نشده است) میانگین فرهنگ سیاسی نسل‌ها در دو گروه همگن تفکیک‌پذیر است. به عبارت دیگر، فرهنگ سیاسی دو نسل جوان و میان‌سال تفاوتی با هم ندارد، اما تفاوت از فرهنگ سیاسی نسل بزرگسال است. در جمع‌بندی از فرضیه اول، با اطمینان بیش از ۹۵ درصد می‌توان گفت الگوی فرهنگ سیاسی نسل بزرگسال شهر سنندج مطابق با انتظار تنوریک مطالعه، بازنمای الگوی محدود است. در تأیید این مدعا، علاوه بر نتایج فوق، بر اساس آزمون هم‌بستگی پیرسون میان سن و شاخص فرهنگ سیاسی، رابطه دو متغیر مذکور، منفی و در سطح ۹۹ درصد معنادار است ($r = -0/218$)، اما آنچه مطابق با انتظار نبوده این است که الگوی فرهنگ سیاسی نسل‌های جوان و میان‌سال آمیزه‌ای از الگوهای دیگر (بی‌اعتنا و عملگرا) را بازنمایی می‌کند و احتمالاً به سوی الگوی دموکراتیک در حال طی شدن است.

فرضیه دوم: از نظر میزان حمایت از برابری جنسیتی، مدارای سیاسی، اعتماد سیاسی، مشارکت مدنی، علاقه سیاسی و دانش سیاسی در میان نسل‌های اجتماعی شهر سنندج تفاوت وجود دارد. نتایج خلاصه‌شده آزمون این فرضیه در جدول ۳ آمده است. بر اساس ردیف اول، میانگین نمره حمایت از برابری جنسیتی نسل بزرگسال (۲۱/۳) کمتر از دو نسل دیگر، و نمره نسل جوان (۲۷/۶) از هر دو نسل دیگر بیشتر است. این تفاوت‌ها ($F=25/092$) از نظر آماری در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار بوده است.

بر اساس ردیف دوم، میانگین نمره مدارای سیاسی نسل بزرگسال (۲۳/۸) کمتر از دو نسل دیگر و نمره نسل میان‌سال (۲۴/۶) از هر دو نسل دیگر بیشتر است. با وجود این تفاوت‌ها، اختلاف میانگین نمره نسل‌ها زیاد نیست و تفاوت میانگین‌ها ($F=0/993$) از نظر آماری معنادار نیست.

با توجه به ردیف سوم جدول ۲، به‌طور کلی در میان هر سه نسل میانگین نمره اعتماد

سیاسی پایین و کمتر از متوسط است. نکته دیگر اینکه میانگین مربوط به نسل بزرگسال (۲۵/۳) بیشتر از دو نسل دیگر و نمره نسل جوان (۲۲/۵) از هر دو نسل دیگر کمتر است. به علاوه، تفاوت میانگین‌های مشاهده شده ($F=۴/۸۴۹$) از نظر آماری در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار است.

براساس نتایج مندرج در ردیف چهارم، میانگین نمره مشارکت مدنی نسل بزرگسال (۱۴/۱) کمتر از دو نسل دیگر و نمره نسل جوان (۱۵/۸) از هر دو نسل دیگر بیشتر است؛ البته به طور کلی به نظر می‌رسد مشارکت مدنی در جامعه مورد مطالعه نسبتاً پایین است. تفاوت میانگین‌های نسلی در این متغیر ($F=۳/۲۵۶$) از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده است.

براساس ردیف پنجم، میانگین نمره علاقه سیاسی نسل بزرگسال (۱۶/۸) کمتر از دو نسل دیگر و نمره نسل میانسال (۱۸/۹) از هر دو نسل دیگر بیشتر است. البته به نظر می‌رسد علاقه سیاسی نسل‌ها در جامعه مورد مطالعه نسبتاً پایین است. همچنین تفاوت میانگین‌ها (۳/۱۵۶) از نظر آماری در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده است. به طور خلاصه، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت علاقه سیاسی نسل جوان‌تر بیشتر از افراد بزرگسال است؛ اگرچه انتظار تئوریک بر این بود که علاقه سیاسی جوانان در مقایسه با افراد میانسال بیشتر باشد.

جدول ۳. نتایج خلاصه آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه متغیرهای مستقل در میان نسل‌های اجتماعی شهر سنندج

متغیرها	تعداد گویه‌ها	حداقل		حداکثر		میانگین شاخص در نسل‌ها
		مقدار	مقدار	مقدار	مقدار	
حمایت از برابری جنسیتی**	۸	۸	۴۰	۲۷/۶	۲۶/۵	۲۱/۳
مدارای سیاسی ^{Ns}	۶	۶	۳۰	۲۴/۵	۲۴/۶	۲۳/۸
اعتماد سیاسی**	۱۰	۱۰	۵۰	۲۲/۵	۲۴/۵	۲۵/۳
مشارکت مدنی*	۶	۶	۳۰	۱۵/۸	۱۵/۴	۱۴/۱
علاقه سیاسی*	۷	۷	۳۵	۱۸/۸	۱۸/۹	۱۶/۸
دانش سیاسی**	۷	۷	۳۵	۱۸/۸	۱۹/۶	۱۵/۷

** معنادار در سطح ۰/۰۰۱

* معنادار در سطح ۰/۰۵

^{Ns} غیر معنادار

با توجه به ردیف آخر جدول ۳، میانگین نمره دانش سیاسی نسل بزرگسال (۱۵/۷) کمتر از دو نسل دیگر، و نمره نسل میانسال (۱۹/۶) از هر دو نسل دیگر بیشتر است. البته در این زمینه نیز به نظر می‌رسد دانش سیاسی نسل‌ها در جامعه مورد مطالعه نسبتاً متوسط است. تفاوت میانگین‌های این متغیر ($F=7/359$) از نظر آماری در سطح بیش از ۹۵ درصد معنادار بوده است. در جمع‌بندی فرضیه دوم، مطابق با انتظار تئوریک مطالعه، جوانان بیشتر از میانسالان و بزرگسالان از برابری جنسیتی حمایت می‌کنند. از نظر سطح مدارای سیاسی در میان نسل‌های اجتماعی، تفاوت معناداری مشاهده نشد. برخلاف انتظار تئوریک مطالعه، اعتماد سیاسی افراد بزرگسال بیشتر از اعتماد سیاسی نسل‌های جوان‌تر بوده است. مطابق با انتظار تئوریک مطالعه، مشارکت مدنی بالاتر جوانان در مقایسه با دو نسل میانسالان و بزرگسالان تصدیق شد. در نهایت اینکه هر دو سطح علاقه سیاسی و دانش سیاسی نسل جوان‌تر بیشتر از افراد بزرگسال است؛ اگرچه انتظار تئوریک بر این بود که علاقه و دانش سیاسی جوانان از افراد میانسال هم بیشتر باشد.

فرضیه سوم: متغیرهای مورد مطالعه به میزان متفاوتی بر الگوی فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج اثرگذارند. برای بررسی این فرضیه از تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش هم‌زمان استفاده شد و هدف آن بود تا نشان دهیم متغیرهای مورد مطالعه چه میزان از تغییرات الگوی فرهنگ سیاسی نسل‌ها را تبیین می‌کنند و کدام یک نقش مهم و قوی‌تری دارند. بر این اساس، متغیر وابسته، شاخص الگوی فرهنگ سیاسی در میان نسل‌های اجتماعی است. متغیرهای پیش‌بین (عوامل مؤثر بر دگرگونی فرهنگ سیاسی) وارد شده در تحلیل رگرسیون نیز ۲۱ متغیر شامل متغیرهای مستقل و ویژگی‌های زمینه‌ای (جمعیتی) هم‌زمان وارد مدل شدند. باید توجه داشت که شرط ورود متغیرهای کیفی یا مقوله‌ای (اسمی و ترتیبی) به تحلیل رگرسیون چندمتغیره قبل از هر چیز، تبدیل آن‌ها به متغیرهای تصنعی است. برای تصنعی کردن متغیرهای مقوله‌ای، باید هریک از طبقات (گزینه‌های) یک متغیر به‌عنوان متغیر جداگانه با دو طبقه تعریف شود و به طبقه اول کد «صفر» و به طبقه دوم کد «یک» تعلق بگیرد. در مورد متغیرهای مقوله‌ای چندوجهی (چندشقی) نیز باید همین‌طور عمل شود (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۴۹۶). این تبدیل‌ها برای متغیرهای محل تولد، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و پایگاه اجتماعی - اقتصادی انجام شد.

در جدول‌های ۴ تا ۶، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره به تفکیک برای سه نسل جوان، میان‌سال و بزرگ‌سال آمده است. جدول ۴ خلاصه مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد. براساس نتایج این جدول می‌توان گفت متغیرهای واردشده در تحلیل، در نسل جوان حدود ۸۵ درصد، در نسل میان‌سال ۸۱/۵ درصد و در نسل بزرگ‌سال حدود ۸۹ درصد تغییرات متغیر وابسته، یعنی تغییرات فرهنگ سیاسی را توضیح داده‌اند.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیونی به تفکیک نسل

نسل	ضریب هم‌بستگی چندگانه (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب تعیین تعدیل شده (Adjusted R Square)	اشتباه استاندارد برآورد (Std. Error of the Estimate)
جوان	۰/۹۳۰	۰/۸۶۶	۰/۸۵۳	۲/۶۹
میان‌سال	۰/۹۱۵	۰/۸۳۸	۰/۸۱۵	۳/۱۵
بزرگ‌سال	۰/۹۶۰	۰/۹۲۱	۰/۸۸۸	۲/۲۲

جدول ۵ معناداری کل مدل رگرسیونی را برای هر سه نسل نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، مقدار F در نسل‌های اجتماعی در سطح ۱ درصد معنادار است. در جدول ۶ نیز ضرایب استاندارد نشده و استاندارد شده متغیرهای واردشده در تحلیل، که معنادار بوده‌اند، به ترتیب قوی‌ترین اثر در مدل برای نسل‌ها آمده است. براساس نتایج، در نسل جوان از همه متغیرهای واردشده در معادله، با توجه به مقدار t و ستون آخر جدول، هفت متغیر به ترتیب اهمیت شامل شاخص‌های حمایت از برابری جنسیتی، دانش سیاسی، علاقه سیاسی، اعتماد سیاسی، مدارای سیاسی، مشارکت مدنی و ویژگی زمینه‌ای محل تولد، ارتباط معناداری با متغیر فرهنگ سیاسی دارند. این متغیرها با بیشترین ضریب بتا همراه است و برای تأثیر بر فرهنگ سیاسی مثبت محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مطابق با انتظارات تئوریک مطالعه و براساس نتایج این پژوهش، جوانان بیشتر از افراد بزرگ‌سال متمایل به بازنمایی فرهنگ سیاسی دموکراتیک بوده‌اند. همچنین متغیرهای معنادار در مدل، به‌ویژه انگاره‌های حمایت از برابری جنسیتی و دانش سیاسی جوانان از عوامل اصلی تفاوت در فرهنگ سیاسی آن‌ها در مقایسه با بزرگ‌سالان است.

جدول ۵. معناداری مدل از طریق تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) به تفکیک نسل

معناداری	F	میانگین مجذور	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل	نسل
۰/۰۰۰	۶۹/۰۸۳	۵۰۲/۱۱۹	۲۱	۱۰۵۴۴/۵۰۵	رگرسیون	جوان
		۷/۲۶۸	۲۲۵	۱۶۳۵/۳۹۰	باقی مانده	
			۲۴۶	۱۲۱۷۹/۸۹۵	کل	
۰/۰۰۰	۳۶/۸۲۸	۳۶۵/۶۵۰	۲۱	۷۶۷۸/۶۴۸	رگرسیون	میان سال
		۹/۹۲۹	۱۵۰	۱۴۸۹/۲۷۶	باقی مانده	
			۱۷۱	۹۱۶۷/۹۲۴	کل	
۰/۰۰۰	۲۸/۱۲۵	۱۳۸/۹۱۷	۱۹	۲۶۳۹/۴۱۹	رگرسیون	بزرگ سال
		۴/۹۳۹	۴۶	۲۲۷/۲۰۶	باقی مانده	
			۶۵	۲۸۶۶/۶۲۱	کل	

در نسل میان سال، از همه متغیرهای وارد شده در معادله، شش متغیر به ترتیب اهمیت، شامل شاخص های دانش سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، علاقه سیاسی، اعتماد سیاسی، مدارای سیاسی و مشارکت مدنی ارتباط معناداری با متغیر فرهنگ سیاسی داشته اند. این متغیرها بیشترین ضریب بتا را دارند و برای تأثیر بر فرهنگ سیاسی مثبت هستند. در نسل میان سال بر اساس مبانی نظری، انتظار بر این بود که این متغیرها بازنمای فرهنگ سیاسی عملگرا و بی اعتنا باشند، اما همان گونه که در فرضیه اول هم مشخص شد، اگرچه از نظر آماری معنادار نبودند، اما بیشتر از جوانان به بازنمایی فرهنگ سیاسی دموکراتیک تمایل داشتند. پس باید توجه داشت، متغیرهای معنادار در مدل، به ویژه انگاره های دانش سیاسی و حمایت از برابری جنسیتی افراد میان سال از عوامل اصلی تفاوت فرهنگ سیاسی آنها در مقایسه با بزرگسالان است.

در نسل بزرگسال، هفت متغیر از همه متغیرهای وارد شده در مدل به ترتیب اهمیت، شامل شاخص های دانش سیاسی، علاقه سیاسی، حمایت از برابری جنسیتی، اعتماد سیاسی، وضعیت تأهل، مشارکت مدنی و جنسیت، ارتباط معناداری با متغیر فرهنگ سیاسی دارند. این متغیرها بالاترین ضریب بتا را دارند و برای تأثیر بر فرهنگ سیاسی مثبت هستند. نتایج مرتبط با نسل بزرگسال بر اساس ملاحظات تئوریک است. همان طور که پیش تر نشان داده شد، آنها بیش از

جوانان و افراد میان‌سال بازنمای فرهنگ سیاسی محدود هستند. نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد عمده‌ترین علل گرایش آن‌ها به فرهنگ سیاسی محدود، دانش و علاقه سیاسی کمتر، حمایت از برابری جنسیتی کمتر و... است. متغیرهایی مانند جنسیت و وضعیت تأهل هم در این میان نقش داشته‌اند.

جدول ۶. ضرایب استاندارد نشده و استاندارد شده متغیرهای معنادار به ترتیب قوی‌ترین اثر در مدل به تفکیک نسل

معناداری	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل	نسل
		ضرایب استاندارد شده بتا (Beta)	اشتباه استاندارد B		
۰/۳۶۱	-۰/۹۱۶	-	۳/۰۴۷	-۲/۷۹۰	۱ ثابت
۰/۰۰۰	۱۶/۴۸۶	۰/۴۶۱	۰/۰۳۰	۰/۴۹۷	حمایت از برابری جنسیتی
۰/۰۰۰	۱۲/۴۰۴	۰/۴۲۶	۰/۰۳۴	۰/۴۲۷	دانش سیاسی
۰/۰۰۰	۸/۴۸۷	۰/۳۰۶	۰/۰۴۱	۰/۳۵۲	علاقه سیاسی
۰/۰۰۰	۸/۱۰۷	۰/۲۴۵	۰/۰۲۸	۰/۲۲۹	اعتماد سیاسی
۰/۰۰۰	۶/۰۵۰	۰/۱۸۲	۰/۰۴۸	۰/۲۸۸	مدارای سیاسی
۰/۰۰۰	۵/۵۳۶	۰/۱۶۹	۰/۰۴۶	۰/۲۵۲	مشارکت مدنی
۰/۰۳۶	۲/۱۰۸	۰/۰۵۴	۰/۶۰۴	۱/۲۷۴	محل تولد
۰/۱۶۲	-۱/۴۰۷	-	۳/۲۹۵	-۴/۶۳۵	۱ ثابت
۰/۰۰۰	۹/۷۱۸	۰/۴۴۵	۰/۰۴۶	۰/۴۵۱	دانش سیاسی
۰/۰۰۰	۱۱/۵۱۴	۰/۴۳۶	۰/۰۴۴	۰/۵۰۴	حمایت از برابری جنسیتی
۰/۰۰۰	۶/۲۷۴	۰/۲۸۱	۰/۰۵۲	۰/۳۲۶	علاقه سیاسی
۰/۰۰۰	۵/۳۱۶	۰/۲۱۳	۰/۰۳۵	۰/۱۸۸	اعتماد سیاسی
۰/۰۰۰	۵/۴۴۵	۰/۲۰۹	۰/۰۶۶	۰/۳۶۲	مدارای سیاسی
۰/۰۰۰	۴/۳۸۳	۰/۱۷۷	۰/۰۶۱	۰/۲۶۶	مشارکت مدنی
۰/۷۶۱	۰/۳۰۶	-	۴/۷۸۸	۱/۴۶۷	۱ ثابت
۰/۰۰۰	۸/۲۱۱	۰/۵۶۱	۰/۰۶۸	۰/۵۶۲	دانش سیاسی
۰/۰۰۰	۴/۵۵۹	۰/۳۲۲	۰/۰۷۵	۰/۳۴۰	علاقه سیاسی
۰/۰۰۰	۵/۲۰۹	۰/۳۱۱	۰/۰۵۹	۰/۳۰۸	حمایت از برابری جنسیتی
۰/۰۰۰	۴/۸۸۴	۰/۲۷۰	۰/۰۴۲	۰/۲۰۶	اعتماد سیاسی
۰/۰۰۰	۳/۹۵۰	۰/۲۰۶	۲/۸۱۳	۱۱/۱۱۱	وضعیت تأهل
۰/۰۰۶	۲/۸۷۰	۰/۱۶۴	۰/۰۷۳	۰/۲۰۹	مشارکت مدنی
۰/۰۳۸	-۲/۱۳۸	-۰/۱۳۸	۰/۸۶۴	-۱/۸۴۸	جنسیت

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این مطالعه، بررسی روند دگرگونی فرهنگی سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج بوده است. شهر سنندج در سال‌های اخیر هم‌سو با سایر جامعه ایران- و نه در جهات هم‌سان- با تحولاتی عمده مواجه شده است. این شهر بیش از سه دهه است پیوسته در حال افزایش جمعیت بوده و افزوده جمعیتی آن از راه طبیعی و با استفاده از مهاجران وارده شده از روستاها و شهرهای اطراف به دست می‌آید؛ برای مثال، جمعیت آن طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۵ بیش از دو برابر شده و از ۲۰۴,۵۳۷ نفر به ۴۱۲,۷۶۷ نفر رسیده است. هم‌زمان با افزایش جمعیت، نسبت شهرنشینی و تراکم جمعیت در شهر نیز افزایش داشته است. اگر این مقوله را به‌عنوان دستاوردهای نوسازی بپذیریم، طی این سال‌ها نیروهای تغییر مانند تحصیلات، به‌ویژه تحصیلات دانشگاهی در میان بیشتر لایه‌های اجتماعی به‌خصوص جوانان و زنان افزایش یافته است. با وجود این، تحولاتی مثبت در کار و فعالیت اقتصادی و اشتغال صورت نگرفته و وخیم‌تر نیز شده است. همچنین نسبت‌های بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان و تحصیل‌کردگان بیش‌ازحد بالاست. این مسئله در درجه اول به توسعه نیافتن تاریخی استان و نبود سرمایه‌گذاری‌های مولد اقتصادی در آن و در مراتب بعدی به دلایلی از جمله اقتصاد راکد و نامتوازن نهادینه شده در کل کشور، تکیه بر اقتصاد بخش خدماتی، ساختار جمعیتی جوان استان، نوسان و بحران بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی و سایر عوامل دیگر مربوط است. افزون‌بر این‌ها، طی سال‌های اخیر، سنندج مانند سایر نقاط کشور از نیروهای تغییر فراملی مانند جهانی‌شدن و عناصر آن از قبیل گسترش رسانه‌های ارتباطی فراگیر، شبکه‌های مجازی و... در امان نمانده است.

بررسی دگرگونی فرهنگی سیاسی نسل‌های مختلف سنندج در این زمینه، که همواره در حال تغییر است (مانند پژوهش درباره سایر رفتارهای انسانی) مشکل و پیچیده است. با وجود پیچیدگی موضوع و نبود داده‌های نسلی، پژوهش حاضر در مقطعی از زمان، یعنی سال ۱۳۹۷ انجام شد و داده‌های پژوهش با درپیش گرفتن رویکردی نسلی جمع‌آوری شد. در این پژوهش، اگرچه نگارندگان به بررسی‌ها و تحلیل‌های تاریخی کمتر متوسل شده‌اند، نظریه‌های معتبری را راهنمای کار خود قرار دادند و از داده‌های آماری استوار بر مطالعه تجربی (پیمایش) استفاده کردند.

براساس مطالعه حاضر، فرهنگ سیاسی نسل‌های اجتماعی شهر سنندج روندی دگرگون از فرهنگ سیاسی محدود به دیگر فرهنگ‌های سیاسی، به‌ویژه فرهنگ سیاسی دموکراتیک طی می‌کند و این روند همچنان ادامه دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، نسل‌های پیشین (بزرگسال) بیشتر بازنمای فرهنگ سیاسی محدود هستند. براساس نتایج، آن‌ها در این فرهنگ سیاسی، از برابری جنسیتی حمایت نمی‌کنند یا کمتر از نسل‌های دیگر حمایت می‌کنند. همچنین شناخت و علاقه‌ای به سیاست ندارند یا این شناخت و علاقه از نسل‌های جوان‌تر کمتر است. آن‌ها در زندگی مدنی و جمعی مشارکت نمی‌کنند یا مشارکتشان پایین‌تر از نسل‌های جوان‌تر است. البته یافته متناقض در پژوهش آن است که اعتماد سیاسی آن‌ها بالاتر از نسل‌های میان‌سال و جوان است. نکته کلیدی آن است که روند دگرگونی فرهنگ سیاسی در شهر سنندج مانند سایر نقاط دیگر، با گذر زمان در جریان است و به‌سوی دموکراتیک شدن پیش می‌رود.

در توجیه و توضیح وضعیت فوق و جای گرفتن بزرگسالان در فرهنگ سیاسی محدود می‌توان گفت آن‌ها احتمالاً بیشتر از نسل‌های دیگر از محیط‌های سنتی برخاسته‌اند. براساس نتایج، بیش از نیمی از افراد بزرگسال خاستگاه روستایی داشته‌اند، بیشتر آن‌ها بی‌سواد و یا کم‌سواد بوده‌اند و بسیاری از آن‌ها دارای همسر و از نظر شغلی، یا خانه‌دار یا بازنشسته هستند؛ درحالی‌که بیشتر افراد میان‌سال، به‌ویژه جوانان، در شهر متولد شده‌اند و تحصیلات دانشگاهی دارند. همچنین بیشتر آن‌ها مجرد (هرگز ازدواج نکرده) و از نظر شغلی، بیکار یا در حال تحصیل هستند. علاوه بر این‌ها، در نسل بزرگسال، دانش و علاقه سیاسی کمتر، حمایت کمتر از برابری جنسیتی، مشارکت مدنی پایین‌تر و وضعیت تأهل و جنسیت از متغیرهای اثرگذار بر الگوی فرهنگ سیاسی محدود آن‌ها به‌شمار می‌آید.

براساس نتایج، فرهنگ سیاسی جوانان روند تغییر را طی کرده است یا در حال دگرگونی است. به عبارت دیگر، درحالی‌که بیشتر و معنادارتر از نسل بزرگسال بازنمای فرهنگ سیاسی دموکراتیک است، آمیزه‌ای از فرهنگ‌های بی‌اعتنا و عملگرا را نیز بروز می‌دهد؛ برای مثال، در انگاره‌های حمایت از برابری جنسیتی، مشارکت مدنی و علاقه سیاسی بیشتر از دو نسل میان‌سال و بزرگسال قرار دارد، اما در انگاره‌های اعتماد سیاسی و دانش سیاسی پایین‌تر از دو

نسل دیگر است و در زمینه مدارای سیاسی با آن‌ها تفاوت چندانی ندارد. همچنین باید توجه داشت جوانانی که ویژگی‌های امروزی‌تری دارند، یعنی دارندگان مدارج تحصیلی بالای دانشگاهی و متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا، بیشتر از سایر جوانان و نسل‌های دیگر مستعد فرهنگ سیاسی دموکراتیک هستند. براساس نتایج مطالعه، افراد میان‌سال-هرچند مطابق با انتظار نبوده است- بیش از نسل جوان بازنمای فرهنگ سیاسی دموکراتیک است و کمتر از جوانان آمیزه‌ای از فرهنگ‌های بی‌اعتنا و عملگرا را بروز داده‌اند.

نتایج مطالعه حاضر با پشتوانه نظری و تجربی همراه است. این مقوله که نسل جوان و میان‌سال شهر سنندج ضمن حرکت به سوی فرهنگ سیاسی دموکراتیک، با دیگر فرهنگ‌های سیاسی نیز همراه هستند، با چارچوب نظری تسلر و گائو (۲۰۰۹) و یافته‌های تجربی آن‌ها هم‌سوئی دارد. آن‌ها بعد از جمع‌آوری داده‌های تجربی از کشورهای خاورمیانه، سنخ‌شناسی خود را از نظر جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی ارائه کردند. به اعتقاد آن‌ها، عناصر بررسی‌شده فرهنگ سیاسی در این جوامع، نه یک جهت‌گیری تک‌بعدی را تشکیل می‌دهند و نه بی‌ارتباط با یکدیگر هستند. طرفداران نظریه منطقه‌گرایی فرهنگی-جغرافیایی نیز معتقدند، فرهنگ سیاسی از متغیرهای مختلفی تأثیر می‌پذیرد؛ به همین دلیل در یک جامعه، در بیشتر موارد فرهنگ سیاسی یکنواختی وجود ندارد، بلکه با توجه به تفاوت‌های تاریخی، اقتصادی و ... ، فرهنگ سیاسی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر متفاوت است.

نتایج این مطالعه با کار نظری و تجربی اینگلهارت (۱۳۷۳؛ ۱۹۸۸) همخوانی دارد. براساس یافته‌های اینگلهارت، افرادی که ارزش‌های فرامادی دارند، بیشتری به ارزش‌های دموکراتیک علاقه دارند. براین اساس می‌توان گفت یکی از دلایل بازنمایی بیشتر نسل میان‌سال شهر سنندج در فرهنگ سیاسی دموکراتیک، برآورده شدن بیشتر نیازها و ارزش‌های مادی آن‌ها در مقایسه با جوانان است. براساس نتایج مطالعه، تعداد بیشتری از افراد میان‌سال مدارک تحصیلی بالا، دارند و شاغل و دارای همسر هستند. همچنین یافته‌های اینگلهارت نشان می‌دهد افرادی که در دوره‌هایی از رفاه، یعنی پس از جنگ جامعه‌پذیر شده‌اند از افراد دوره جنگ و قبل از آن، تمایل بیشتری به ارزش‌های فرامادی دارند. این نکته از کار اینگلهارت برای افزایش فرهنگ سیاسی دموکراتیک نسل‌های جوان‌تر در مقایسه با نسل بزرگسال مناسب است. باید توجه

داشت، نسل بزرگ‌سال امروزی به‌نحوی تجربه زیسته قبل از انقلاب را دارند. در این میان، نسل میان‌سال و جوان خود محصول انقلاب هستند؛ با این تفاوت که نسل جوان تجربه زیسته دهه اول انقلاب و تحولات پرفرازونشیب آن را ندارند. البته نسل میان‌سال نیز به‌نحوی هم متأثر از تحولات و گفتمان‌های اوایل انقلاب هستند و دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی بعد از انقلاب را دیده‌اند.

براساس مطالعه اینگلهارت، از آنجا که الگوهای جامعه‌پذیری دوران کودکی در شکل‌گیری نظام باورها و ارزش‌های آن‌ها بسیار مؤثر است، تغییرات فرهنگی علاوه بر عوامل محیطی تابع عواملی دیگر، مانند تغییرات نسلی است. به بیان دیگر، نسلی که دوران جامعه‌پذیری خود را در شرایط کمبود و بحران اقتصادی سپری کرده‌اند، ارزش‌ها و باورهای به‌شدت مادی‌گرایانه دارند، اما ارزش‌های نسلی که دوران جامعه‌پذیری خود را در شرایط رفاه گذرانده‌اند، چندان تابع عوامل اقتصادی نیست. این نکته نیز برای توجیه پایین‌بودن فرهنگ سیاسی دموکراتیک جوانان سنندج از افراد میان‌سال مفید است. همان‌طور که گفته شد، جوانان امروزی با نیروهای تغییر و دستاوردهای جهانی‌شدن مواجهند و روزبه‌روز بر تحصیلات خود می‌افزایند. همچنین ضمن کسب آموزش‌های جدید و بیشتر، با موجی از افزایش توقعات در برابر واقعیاتی نابسامان و محدودکننده مواجه می‌شوند. بی‌شک پیامد این امر و زندگی در شرایط کمبود و بحران اقتصادی، جهت‌گیری بیشتر به‌سوی ارزش‌ها و باورهای به‌شدت مادی‌گرایانه است. به نظر اینگلهارت و ولز (۱۳۸۹)، نسل جوان در مقایسه با نسل بزرگ‌سال، تأکید بیشتری بر ارزش‌های سکولار-عقلانی دارد، اما این تغییرات نسلی در جوامع توسعه‌یافته و به‌نوعی مرفه‌تر نمود بیشتری دارد؛ بنابراین یافته‌های این مطالعه با نتایج مطالعه قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) هم‌سویی دارد. براساس مطالعه آن‌ها با افزایش سن، ابعاد شناختی و رفتاری فرهنگ سیاسی معلمان بوکان افزایش یافته است.

ضروری است وضعیت در حال‌گذار جامعه مورد مطالعه و تأثیر آن بر الگوهایی که گاهی خلاف انتظار فرهنگ سیاسی در میان نسل‌های اجتماعی است، مدنظر قرار بگیرد. از دیدگاه رزاقی (۱۳۷۵) جامعه ایران در حال حاضر در وضعیت دشوار و پیچیده‌گذار از جامعه سنتی به جامعه متجدد قرار دارد. در این شرایط، فرهنگ سیاسی افراد نیز به تبعیت از این مرحله

گذار، میان اشکال متضاد فرهنگ سیاسی تبعی (محدود) و فرهنگ سیاسی مشارکتی (دموکراتیک) به سر می‌برد.

از دیگر نتایج مطالعه آن است که با افزایش مشارکت مدنی نسل‌های اجتماعی، بازنمایی آن‌ها در فرهنگ سیاسی دموکراتیک افزایش می‌یابد. این یافته تأییدی بر مدعای نظری پاتنام (۱۹۹۳) است که مشارکت مدنی را در فرهنگ سیاسی مؤثر می‌بیند. او مشارکت مدنی را مشارکت فعال در موضوعات عمومی، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و آمادگی درگیر شدن در مباحث و فعالیت‌های عمومی می‌داند. از ویژگی‌های نسل جوان شهر سنندج آن است که میزان مشارکت مدنی آن‌ها در مقایسه با نسل‌های بزرگسال بیشتر بوده است. از نتایج دیگر این پژوهش تأثیر تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی در جهت مثبت بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک، به‌ویژه در میان نسل جوان است. این یافته گزاره نظری پاتنام (۱۳۷۹) را تأیید می‌کند که افراد دارای پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط و زیاد، جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی دموکراتیک‌تر و فعال‌تری دارند. همچنین با یافته‌های مطالعه قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) و مطالعه آمونیتی (۲۰۰۶) هم‌سوایی دارد که به ارتباط مثبت میان سطح تحصیلات و فرهنگ سیاسی دست یافته‌اند.

افزون بر آنچه بیان شد، نتایج مطالعه حاضر با نتایج مطالعه احمدی (۱۳۹۰) که حاکی از وجود نوعی فرهنگ سیاسی مستعد دموکراسی در میان مردم ساکن شهر سنندج بوده است، هم‌سوایی دارد. این همخوانی کم‌وبیش با نتایج مطالعه قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶) نیز دیده می‌شود. آن‌ها در پژوهش خود دریافتند، نیمی از معلمان مدنظر، در گونه فرهنگ سیاسی دموکراتیک قرار دارند و پس از آن، بیشتر آن‌ها با گونه بی‌اعتنا، به‌نوعی بازنمای وضعیت فرهنگ سیاسی جامعه ایران هستند. همچنین یافته‌ها نوعی ناهم‌سوایی و رشد نامتوازن در ابعاد شناختی و کنشی فرهنگ سیاسی معلمان را نشان داده است.

منابع

- احمدی، یعقوب (۱۳۹۰)، «رویکردهای قومی و گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی؛ مطالعه موردی شهر سنندج»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۴: ۲۲۹-۲۵۶.
- احمدی، یعقوب و آزاد نمکی (۱۳۹۲)، «فرهنگ سیاسی دموکراتیک در میان نسل‌های ایرانی (تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای ایران، اقوام و استان‌های آن)»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۳: ۱۳۱-۱۵۴.
- احمدی، یعقوب، محمدزاده، حسین و ابوبکر مجیدی (۱۳۹۷)، «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی دانشجویان استان کردستان بر پایه متغیرهای اجتماعی-فرهنگی»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۱: ۱۰۷-۱۲۸.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییرات فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰)، موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: انتشارات گام نو.
- پاشا شریفی، حسن و جعفر نجفی‌زند (۱۳۷۸)، روش‌های آماری در علوم رفتاری، تهران: انتشارات سخن.
- پای، لوسین (۱۳۷۰)، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، مجله نامه فرهنگ، شماره ۵ و ۶: ۳۷-۴۷.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حبیب‌پور، کریم و رضا صفری (۱۳۸۸)، راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، تهران: مؤسسه راهبرد پیمایش.
- خانیکی، هادی و حمید سرشار (۱۳۹۱)، «گونه‌شناسی فرهنگ سیاسی، مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان»، دوفصلنامه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۱: ۹۱-۱۳۰.

- داوسون، ریچارد، کنت، پرویت و کارن داوسون، (۱۳۸۲)، *جامعه‌پذیری سیاسی*، ترجمه مهدی جواهری‌فر، اهواز: نشر لاجورد.
- رزاقی، سهراب (۱۳۷۵)، «مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، *فصلنامه نقد و نظر*، شماره ۷ و ۸: ۲۰۰-۲۱۳.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیان.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کردستان (۱۳۹۶)، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ شهرستان سنندج*، سنندج: معاونت آمار و اطلاعات.
- سرشار، حمید (۱۳۹۰)، *تیپولوژی فرهنگ سیاسی و عوامل مؤثر بر آن: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه کردستان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: انتشارات فرزانه روز.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹)، *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شایگان، فریبا (۱۳۸۷)، «بررسی عوامل تأثیرگذار بر اعتماد سیاسی»، *دوفصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۷: ۱۵۳-۱۷۹.
- شریف، محمدرضا (۱۳۸۱)، *انقلاب آرام: درآمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران معاصر*، تهران: نشر روزنه.
- شهریار، ابوالقاسم، خلیلی، محسن و حسین اکبری (۱۳۹۵)، «سنجش تساهل سیاسی و عوامل مؤثر بر آن، نمونه‌پژوهی: دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، شماره ۱۸: ۸۹-۱۲۱.
- طالبی، ابوتراب، حیدری، سیامک و سیاوش فاطمی‌نیا (۱۳۸۷)، «عوامل مؤثر در اعتماد سیاسی: پیمایشی میان دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۴: ۱۷۹-۲۰۸.

- قادرزاده، امید، احمدی، یعقوب و خالد میارغنج (۱۳۹۶)، «مطالعه پیمایشی جهت‌گیری‌های فرهنگ سیاسی معلمان و عوامل مرتبط با آن»، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، شماره ۲: ۲۳۱-۲۵۶.
- قیصری، نوراله و ابوالفضل شکوری (۱۳۸۱)، «فرهنگ سیاسی: پژوهشی در ساختار و تحولات نظری یک مفهوم»، **نشریه نامه مفید**، شماره ۳۲: ۲۹-۵۴.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۸۲)، **بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر**، تهران: نشر قومس.

- Amonette, A. (2006), **State Political Culture and Civic Participation**, in www.Portfolio.du.edu.
- Brown, A. (1996), Political Culture in Kuper, A. and J. Kuper (eds.) **The Social Science Encyclopedia**, Second ed., London: Rutledge.
- Elazar, D. J. (1972), **American Federalism: A New form of the States**, NewYork: Thomas Y. Cromwell.
- Gabriel, O.W. (1995), **Political Efficacy and Trust**, Oxford: Oxford University Press.
- Inglehart, R. (1988), "the Renaissance of Political Culture", **The American Political Science Review**, No. 4: 1203-1230.
- Laitin, D. (1995), "Compliance Ideologies: Rethinking Political Culture", **American Political Science Review**, No. 1: 168-173.
- Putnam, R. D. (1993), **Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy**, Princeton: Princeton University Press.
- Pyatt, S. and Paxton, P. (2007), "In Principle and in Practice: Learning Political Tolerance in Eastern and Western Europe", **Political Behavior**, No. 1: 89-113.
- Pye, L. W. (2000), **The Elusive Concept of Culture and the Vivid Reality of Personality**, in Stanley Renshon and John Duckitt (eds.), **Political Psychology**, NewYork: NewYork University Press.
- Rosenbom, W. (1975), **Political Culture**, NewYork: Preager Publisher.
- Schwadel, P. and Garneau, C. (2014), "An Age- Period- Cohort Analysis of Political Tolerance in the United States", **The Sociological Quarterly**, No. 2: 421-452.
- Street, J. (1994), "Political Culture- from Civic Culture to Mass Culture", **British Journal of Political Science**, No. 1: 95-113.
- Tessler, M. (2011), **What Do Ordinary Citizens in the Arabs World Want: Secular Democracy or Democracy with Islam**, University of Michigan.
- Tessler, M. and Altinoglu, E. (1997), "Political Culture in Turkey: Connections among Attitudes toward Democracy, the Military and Islam", **Democratization**, No. 1: 22-51.

- Tessler, M. and Gao, E. (2009), “Democracy and the Political Culture Orientations of Ordinary Citizens: A Typology for the Arab World and beyond”, **International Social Science Journal**, No. 192: 97-207.
- Wilson, R. (2000), “the Many Voices of Political Culture: Assessing Different Approaches”, **World Politics**, No. 52: 246-737.